

بخش دوم ایران در گذرگاه تاریخ



مروری بر تاریخ بانکداری جهان و سهم ایرانیان در پیدایش آن

دکتر علی شرقی - اقتصاددان و پژوهشگر

در تاریخ سیاسی و اقتصادی جهان، ۳۰۰ سال گذشته حائز اهمیت بسیار است. تا آن زمان، در ترکیب سیاسی جهان گونه‌ای موازنه نسبی برقرار بود. در اروپا، همه کشورهای منطقه تقریباً یک دست و یکنواخت بودند. کشورهای شرقی نیز که بنیان گذاران تمدن و فرهنگ زمانه‌اند، هنوز بر سرپای خود ایستاده بودند.

امپراطوری چین نیرومند به حساب می‌آمد، هند نسبتاً قوی و بسیار ثروتمند بود. امپراطوری ایران از نظر سیاسی و اقتصادی قدرتی بزرگ در منطقه و جهان محسوب می‌شد و دولت عثمانی حتی بر قسمتی از اروپای امروزی حکومت می‌کرد. در قاره جدید نیز قدرتی نو پا به نام آمریکا در حال تکوین بود. چطور شد که این موازنه نسبی به هم خورد؟ این نامتعادل شدن و حشتناک قدرت و ثروت که امروز ما شاهد آن هستیم از همان سال‌های پایانی سده هفدهم آغاز گردید، زیرا از یک سوی شرق، خسته و کوفته از اختلافات داخلی و جنگ‌های منطقه‌ای و در عین حال مغرور از غنای فرهنگی خود، دوران خمودگی و رخوت را آغاز می‌کرد، از سوی دیگر اروپای تازه نفس و رها شده از گیر و بندهای قومی و مذهبی تازه داشت از خواب قرون وسطایی خود بیدار می‌شد.

هنگامی که غرب تازه نفس، رخوت و خستگی شرق را احساس کرد ابتدا سیاست استعماری سنتی خود را که همان گسترش مستعمرات بود به مرحله اجرا گذاشت لیکن با نمایان شدن تدریجی اثرات انقلاب صنعتی، استراتژی غرب نیز به تدریج تغییر نمود. دیگر ابریشم چین و ادویه هند و پارچه‌های زربفت ایرانی و نظایر آن، جذابیت قبلی خود را نداشت، غرب برای فروش فراورده‌های انبوه صنعتی کارخانه‌های خود، جوامع مصرفی صرف را لازم داشت. بدین سان است که دوره نو استعماری آغاز شد.

هنگامی که شرق از خواب چند صد ساله خود بیدار شد کار از کار گذشته بود و دیگر از آن موازنه نسبی خبری نبود و تقریباً تمام قدرت و ثروت در اختیار چند کشور انگشت شمار غرب قرار داشت و

این کشورهای تازه به دوران رسیده به بهای ویرانی جهان قدیم کشورهای خود را آباد کرده بودند. اما در پشت همه این زرق و برق‌ها یک نکته ظریف نمایان بود، یک کمبود، یک ضعف، که آنها آن را عمیقاً احساس می‌نمودند و آن هنگامی بود که مسایل فرهنگی مطرح می‌شد. هرچند این کشورها القابی نظیر ابرقدرت‌ها و ملل پیشرفته به خود اختصاص داده بودند ولی این احساس خود کم بینی همیشه آزارشان می‌داد.

ابتدا کوشیدند که خود را در میراث پر بار فرهنگ یونان شریک سازند، فقط به بهانه این که یونان در خاک اروپا واقع است، آنها را عموزادگان خود خواندند، به سرعت کتاب‌های آنها را ترجمه کردند، رسم بازی‌های المپیک را با تشریفات چشمگیر معمول داشتند، تمام ساختمان‌های اولیه خود را به سبک معماری یونان باستان بنا نمودند. لیکن هیچ کدام از این اقدامات نسبتاً عجولانه، حتی خودشان را هم قانع نکرد، زیرا روشن بود که تأثیر گذاری و تأثیر پذیری فرهنگ یونانی در تعامل با تمدن و فرهنگ ایرانی، و هندی سایر تمدن‌های آسیایی بوده است.

کشورهای اروپایی هنگامی که دریافتند نمی‌توان سوابق فرهنگی ملت‌ها را از آنها گرفت به فکر چپاول فرهنگی افتادند. گروه‌هایی را به نام شرق شناس به کشورهای که میراث دار تمدن بشری بودند اعزام داشتند.

این گروه‌ها هرچند از لحاظ کاوش‌های باستان شناسی خدمت‌هایی هم انجام دادند ولی به صورت‌های آشکار و پنهان آثار پر ارزش تاریخی و فرهنگی ملت‌ها را به یغما بردند و در موزه‌های نوبنیاد خود انباشتند. این کارها، نه تنها مشکلی را حل نکرد بلکه هر کدام از این آثار ذوقی و هنری در موزه‌های شان، خود بیانگر این واقعیت بود که این فرهنگ از آن دیگرانی است که در طول قرن‌ها، کاخ تمدن بشری را چنین عظیم پی افکنده‌اند.

پس از آن که از این طرف‌ها طرفی بسته نشد، لاجرم شیوه دیگری اتخاذ گردید و آن انکار ضمنی این پویایی فرهنگی بود و بی تفاوتی از کنار آن گذشتن. این ست که در یکی دو قرن اخیر می‌بینیم که گروه‌های به اصطلاح نو پژوهنده در بررسی‌های خود مطالب را طوری ارائه می‌دهند که انگار تمدن بشری از دویست سیصد سال پیش یا از انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی اروپا آغاز شده است. این شیوه که دور از انصاف نیز هست نه تنها سهم صاحبان واقعی و بنیان گذاران تمدن را نادیده می‌گیرد، برای دانشجویان و پژوهشگران جوان نیز گمراه کننده است. به طور مثال اگر همین امروز از پژوهندگان نسل نو، حتی دانشجویان رشته‌های اقتصاد و بانکداری سؤال کنیم که بانکداری از ابتکارات کدام ملت هاست و از چه زمانی آغاز شده است، اکثریت آنها پاسخ خواهند داد که بانکداری پدیده‌ای نوین است که توسط اروپاییان در یکی دو قرن اخیر ایجاد گردیده است، در صورتی که حقیقت غیر از این است. بانکداری پروسه‌ای است بس طولانی که از پی‌قرن‌ها تجربه و از فراز تمدن‌های کهن سر بر آورده است.

به طور بسیار خلاصه بانکداری یعنی تجارت پول^۱ و اعتبار، پس در هر کشوری که پول اختراع

۱ - واژه پول نباید ایرانی باشد، ولی در فارسی میانه وجود دارد و به معنای "جسر" است و این همان واژه‌ای است که بعدها به «پل» تبدیل شده و در فارسی کنونی معمول است. "جَسَر" رودی عظیم است که آن را "نهر طالب" گویند و منبع

و رایج گشته که طبیعی است معاملات مربوط به آن نیز معمول گشته. همه ما می‌دانیم که ایرانیان در این راستا از پیشگامان آن بوده‌اند و سکه‌های باستانی چند هزار ساله ما هم اکنون زینت بخش همه موزه‌های جهان است. استاد ابراهیم پور داوود در کتاب هرمنامه (ص ۲۳۳-۲۷۴) اشاره بر این نکته دارند که پول از شش قرن پیش از میلاد در امپراطوری ایران معمول بوده است. حتی شواهدی از داد و ستد، در اوستا نیز وجود دارد و در فصل هفتم و نندیداد در بندهای ۴۱ تا ۴۳ نیز نکاتی از چگونگی پرداخت مزد پزشکان و دامپزشکان دیده می‌شود. به جای واژه پول و مسکوک در اوستا واژه «شئته» (Shaeta) به کار رفته است.

مادها و لیدیائی‌ها از دوران هوخشتره با سکه آشنا بوده‌اند، ولی تا اوایل دودمان هخامنشی سکه‌ها به صورت «شهرها»^۲ بوده است، بدین معنی که هر سکه فقط در شهری که ضرب می‌شد ارزش داشت و در نواحی دیگر ارزشی نداشت. داریوش بزرگ سومین پادشاه هخامنشی برای اولین بار در آن دوران تصمیم گرفت سکه‌ای ضرب کند که ارزش بین‌المللی داشته باشد و در تمام کشورهای تابعه و نزد همه اقوام متمدن آن زمان دارای اعتبار باشد. به همین منظور و به اصطلاح امروزی برای مقبولیت و رواج جهانی آن، فرمان داد سکه از زر ناب ضرب کنند و آن را به نام خود «دریکوس» نامید چون نام اصلی داریوش «داریه و هی» بوده است که به زبان فارسی دوره هخامنشی به معنای دارند و هی است و کلمه و هی همان است که امروز به «بهی» تبدیل شده است و بدین سان معنای نام او «دارنده بهی» است اما یونانیان او را به زبان یونانی داریوش خواندند. (دهخدا جلد ۱۳ ص ۵۴۵) بنابراین سکه دریکوس به معنای سکه داریوشی است که هنوز هم در سکه شناسی یکی از مشهورترین و گران بهاترین سکه‌های امروزی جهان است. داریوش حتی برای آن که دریکوس (که بعدها "دریک" هم نامیده شد) همیشه در جهان شایسته شاهنشاهی ایران باشد دستور داد سران کشورهای تابعه و ساتراپ‌ها مجاز به ضرب سکه طلا نباشند و فقط اجازه ضرب سکه نقره را داشته باشند به گونه‌ای که ارزش ۱۰ سکه نقره عیار خالص معادل یک دریکوس زرناب او باشد.

در ایران باستان، از دوره هخامنشیان نشانه‌هایی حاکی از وجود موسساتی که امروز بانک نامیده می‌شوند، وجود داشته است. سازمانهای برادران «موراشوازیپ پور» و بانک «اجی بی» از نخستین بانک‌هایی هستند که در امپراطوری هخامنشیان تاسیس شده است.^۳ براساس متون تاریخی مربوط به دوران داریوش اول، «اجی بی» بانک معتبری بوده است و در قراردادهای این بانک نشانه‌هایی از ارتباط آن بانک با بخت النصر نیز که بر داریوش یاغی شده بود به چشم می‌خورد.^۴ از سوی دیگر، اسناد منتسب

آن از سمیرم است آنجا می‌گذرد زیر پول تکان. (فارسنامه ابن بلخی ص ۱۴۸) و فردوسی نیز در شاهنامه آورده است:

یکی پول دیگر ببايد زدن شدن را یکی راه و باز آمدن

ظاهراً واژه پول به معنای امروزی از پول یونانی به زبان فارسی وارد شده است. (کریستین سین چاپ اول ص ۲۷) و ابراهیم پور داوود کتاب هرمنامه (ص ۲۳۳)

۲- . امیر زاده نادان به شهرها ماند که در دیار غربیش به هیچ نستانند (سعدی)

۳- . مجله بانک سپه شماره ۱ سال اول

۴- . تاریخ ایران باستان تالیف حسن پیرنیا (مشیرالدوله) تهران شرکت مطبوعات سال ۱۳۱۱ جلد دوم ص ۹۵۰-۹۵۱.

به اسرای یهودی زمان بخت النصر سوم حاکی از آن است که برادران «موراشوازیپ پور»، بانکداران مشهور آن زمان ایران، چند زمانی در اسارت او به سر می‌برده‌اند.^۵ در قانون مشهور حمورابی نیز که به ۱۹۳۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد، موادی درباره حق العمل‌کاری و میزان (commission) پیش‌بینی شده است. بر روی خشت‌هایی که در بابل کشف گردیده نیز متونی منقوش است و بر روی یکی از آنها سندی است که حکایت از انتقال پول از بابل به «لارسا» دارد. فنیقی‌ها که به کار تجارت و دریانوردی مشغول بودند به خاطر داشتن روابط تجارتنی با امپراطوری ایران، اصول بانکداری را که از ایرانیان آموخته بودند به تدریج در یونان هم رواج دادند. قوانین (Solon) که در قرن هفتم قبل از میلاد در یونان تنظیم گردید، اخذ بهره را مجاز اعلام کرد و این باعث توسعه و رونق بانکداری یونان شد.^۶

رومی‌ها بانکداری را از یونانیان آموختند. در اواخر دوره جمهوری یا اوایل دوره امپراطوری، بانکداری در روم رونق یافت. دو گروه بانکدار عمده به تدریج در این امپراطوری پدیدار شدند. یکی "نومیلاری" (Numulari) که صرفاً کارهای تبدیل پول را انجام می‌دادند و دیگری گروه "آرژانتاری" (Argentari) که تقریباً کلیه خدمات بانکی را عرضه می‌داشتند.^۷ متأسفانه در آغاز قرون وسطی امپراطوری روم با حمله قبایل وحشی غرب اروپا، یعنی همین اروپای داعیه دار امروز، نابود گردید و نه تنها تجارت و بانکداری رو به افول گذشت بلکه اساس تمدن در غرب برای چند قرن متزلزل شد، در حالی که بانکداری در ایران و سایر کشورهای متمدن شرق در حال رشد و گسترش بود. پس از یک رکود سه چهارقرنی مجدداً، شهرنشینی و تجارت دوباره در مغرب زمین رونق گرفت، جنگ‌های صلیبی دوباره رابطه آسیای میانه و مرکزی را با اروپا برقرار کرد و بانکداری و تجارت خارجی از سر گرفته شد. امپراطوری روم غربی یا کشور ایتالیای کنونی بر پایه سابقه تاریخی خود پیشتاز بانکداری در اروپا گردید و شهرهای فلورانس و ونیز و لمباردی مراکز بانکداری اروپای آن زمان شدند. واژه بانک نیز از همین زمان معمول گشت زیرا بانکداران لمباردی و ونیزی روزهای ویژه‌ای در میدان‌های عمومی شهر پشت نیمکت‌های کوچک می‌نشستند و خدمات بانکی به مردم عرضه می‌کردند و چون در زبان ایتالیایی نیمکت را "بانکو" (Banco) می‌نامیدند و مردم همیشه این کسان را نشسته در کنار این نیمکت‌ها یا پیشخوان‌ها خود می‌دیدند آنها را نیز "بانکو" و "بانکیری" (Banchieri) نام نهادند که به تدریج در سایر زبان‌ها معمول و نهایتاً به واژه بانک تبدیل شد.

در همین زمان اواخر قرون وسطی، بانک‌های ونیزی و فلورانسی که در بانکداری پیشگام دیگر بانک‌های رومی بودند به گسترش شبکه‌های بانکی خود پرداختند و برای اولین بار در غرب اروپا از جمله ناحیه بریتانیای امروزی شعبه‌هایی دایر کردند و کشورهای اروپای غربی با پدیده بانکداری برای اولین بار آشنا شدند، در صورتی که در امپراطوری ایران قرن‌ها بود که مردم با مفهوم بانکداری که همان صرافی است آشنا بودند.

به کار بردن واژه بانک در آن زمان نباید با شبکه‌های عظیم بانکداری بین‌المللی امروزی اشتباه

۵- همان ماخذ صفحات ۵۳۳-۵۴۴ و ۹۵۰-۹۵۱.

۶- بانک و بانکداری تالیف دکتر عبدالحمید زنگنه چاپ تهران ۱۳۱۸ ص ۱-۳.

۷- بانک و بانکداری (دکتر عبدالحمید زنگنه ص ۶-۹)

شود. یان بانکوها و بانکیری‌ها، صرافی‌های کوچک و حقیری بودند که با شبکه‌های صرافی آن زمان در ایران و بعضی کشورهای همجوار به هیچ وجه قابل مقایسه نبود. صرافی‌ها در ایران آن دوره شبکه‌های عظیمی بودند و کلیه عملیات بانکی را انجام می‌دادند. اصولاً (به طوری که بعداً هم نشان داده خواهد شد) صرافی معادل همان واژه بانکویا بانک بوده و هست. امروز هم در اروپا روی تابلوهای بانک‌های بزرگ و کوچک واژه صرافی یا صراف را به کار می‌برند. در قرن پنجم هجری صرافان ایران دارای شبکه‌های منظم بانکداری بودند. ناصر خسرو قبادیانی شاعر و جهانگرد بزرگ ایران در سفرنامه خود تعداد صرافی‌های شهرهای مختلف را ثبت نموده است. صراف‌ها علاوه بر کارهای بانکی، حتی امین خانواده‌ها نیز بوده‌اند. و در حال بازار آنجا چنان بود که آن کسی را که چیزی بودی به صراف دادی و از صراف خط بستدی و هر چه بایستی بخزیدی و بهای آن بر صراف حواله کردی و چندان که در شهر بودی بیرون از خط صراف چیزی ندادی.^۸

دکتر جهانشاهی در کتاب "تاریخ سی ساله بانک ملی ایران" می‌نویسد «در تمام ادوار تاریخ، صرافان کار بانکداری را به مقیاس کوچکی انجام می‌دادند. هر تاجر، با صراف معینی حساب جاری داشت، یعنی صراف برای هر تاجر دفتر مخصوصی که کلیه داد و ستدها، متدرجا در آن منعکس می‌ساخت به جای چک از حواله‌های کوچک خطی و عادی استفاده می‌شد. کلیه پرداخت‌ها و دریافت‌ها در شهرهای دور و نزدیک به وسیله صراف و با استفاده از برات انجام می‌گرفت.^۹ این حواله‌های کوچک که جانشین چک امروزی بود "بیجک" نامیده می‌شد».

در همین زمان رویداد بزرگ دیگری در ایران رخ داد که انقلابی در صنعت بانکداری به وجود آورد و آن ابداع اسکناس بود.^{۱۰} در کشورمان برای اولین بار در سال ۶۹۳ هجری قمری اسکناسی را به چاپ رساندند که «چاو» نام داشت. تا قبل از انتشار اسکناس بانک‌ها به صورت واحدهای کوچک محلی اداره می‌شدند، زیرا واحد پول، سکه‌های طلا و نقره و سایر فلزات بود. از این روی جابجایی و انتقال پول را به خاطر وزن زیاد سکه از یک سو و ناامنی راه‌ها از سوی دیگر تقریباً ناممکن می‌ساخت. ولی ابداع و رواج پول کاغذی بود که راه را برای توسعه شبکه‌های بانکداری هموار کرد.

اولین اسکناس ایران روز شنبه نوزدهم شوال سال ۶۹۳ هجری قمری (۱۲۹۴ میلادی) در شهر تبریز منتشر شد. این اسکناس قطعه کاغذی بود به شکل مربع مستطیل که در بالای آن در دو طرف عبارت لاله الا الله و محمد رسول الله چاپ شده. در زیر این دو عبارت، نام و عنوان پادشاه به چشم می‌خورد. در وسط اسکناس دایره‌ای چاپ کرده بودند که در آن ارزش اسمی اسکناس از نیم درهم تا ده دینار^{۱۱} قید شده بود. در پایین اسکناس نیز این جمله اخطارگونه به چاپ رسیده بود: «پادشاه در سنه ۶۹۳

۸- سفرنامه ناصر خسرو چاپ دبیر سیاقی ص ۱۴۴.

۹- تاریخچه سی ساله بانک ملی دکتر جهانشاهی ص ۳۶.

۱۰- واژه اسکناس در اصل همان assignal فرانسوی است که در زبان روسی assignunas شده و به زبان فارسی راه یافته و به اسکناس تبدیل شده اس. ن. ک. به: ابراهیم پور داود. هر مزدنامه.

۱۱- درهم ظاهراً معرب درم فارسی است که معادل ده یک دینار است. دینار مأخوذ از واژه دیناریوس یونانی به معنای (ده تایی) است. از این رو هر دینار برابر ده درهم یا درم است.

این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید. تغییر و تبدیل کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانیده مال او را جهت دیوان بردارند.^{۱۲} پس از تبریز در خراسان، شیراز، کرمان، عراق عجم و عراق عرب، دیار بکر، موصل و میافارقین^{۱۳} نیز چاوخانه دایر شد. شایسته است در نظر داشته باشیم که عراق عرب که همان کشور عراق امروزی است در آن زمان در حوزه جغرافیایی ایران قرار داشته است.

در این جا اجازه دهید به عنوان جمله معترضه یادآوری گردد که ابداع صنعت چاپ نیز به نوبه خود در خور اهمیت و توجه است. بیش تر اروپاییان «گوتنبرگ» را مبتکر چاپ می‌شناسند در صورتی که هفت قرن پیش از او، حداقل ۱۰ مرکز چاپ اسکناس در ایران وجود داشته است. چین نیز در این صنعت پیشتاز بود. از همین رو، صنعت چاپ^{۱۴} را نیز باید یکی دیگر از ابتکارات و اختراعات عمده ایران و چین شمرد. جان وال، پژوهشگر آمریکایی که مدتی نیز در ایران به تحقیق پرداخته است در این باره می‌نویسد: «ایرانی‌ها و چینی‌ها زمانی صنعت چاپ را ابداع نمودند و هنر چاپ کردن را معمول داشتند که اروپا غرق در توحش بود.»^{۱۵}

ایرانی‌ها برای چاو مقررات بین‌المللی نیز وضع کرده بودند به این صورت که تجار خارجی که به ایران می‌آمدند باید در مرز کشور طلا و نقره خود را به خزانه دار تحویل داده و معادل آن را چاو دریافت دارند و پس از انجام خریدهای خود در ایران هنگام خروج از مرز، اگر چیزی از چاو مانده بود دوباره به طلا یا نقره تبدیل می‌گردید.

البته اسکناس یک پدیده‌ای بود بسیار جلوتر از زمان خود و به همین دلیل استقبال شایانی از آن به عمل نیامد^{۱۶} ولی این ابتکار و نوآوری ایرانیان تأثیر خود را در آینده صنعت بانکداری جهان معمول داشت و انقلابی عظیم را در صنعت بانکداری جهان به وجود آورد.

بازگردیم به پیدایش بانکداری و نفوذ این پدیده از امپراطوری پارس به کشورهای اروپایی: همان طوری که فوقا اشاره شد، پس از حمله اقوام غرب اروپا به امپراطوری روم، پیشرفت تمدن و از جمله صنعت نوپای بانکداری چند قرن متوقف گردید و این توقف تا جنگ‌های صلیبی ادامه داشت. اروپاییان در طول جنگ‌های صلیبی مجدداً با بانکداری که در شرق پیشرفت بیش تری یافته بود آشنا شدند و به خصوص در سرزمین‌های روم غربی و ایتالیای کنونی نظر به سابقه تاریخی قبلی که در فلورانس و لمباردی و ونیز وجود داشت، رواج بسیار گرفت، از این زمان به بعد صنعت بانکداری در اروپا قوام چشمگیری یافت و تأثیر انقلاب صنعتی باعث شد که بانکداری غرب بر بانکداری شرق

۱۲- برای اطلاع بیش تر درباره چاپ اولین اسکناس در ایران لطفاً نگاه کنید به تاریخ وصاف (شهاب الدین وصاف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران چاپ ۱۳۳۶).

۱۳- میا فارقین شهری بوده است در بین النهرین که ساخت آن منتسب به انوشیروان است و قسمت دوم نام این شهر احتمالاً پارگین بوده است که معرب آن فارقین گردیده است (حاشیه سفرنامه ناصر خسرو چاپ دکتر دبیر سیاقی ص ۲۹۱ چاپ سوم)

۱۴- اصولاً واژه چاپ و چاپخانه که امروز به کار می‌بریم تغییر شکل یافته چاو و چاوخانه است. John Well, "The paper money of Persia" in the currency collector, vol. 14, No 2, (1973), p. 61.

۱۶- برای اطلاع بیش تر درباره چاپ اولین اسکناس در ایران به مجله ایران نامه سال یازدهم شماره ۴ و همچنین شماره‌های ۵ و ۱۰ مجله اطاق بازرگانی سال ۸۵ به قلم همین نگارنده مراجعه فرمایید.

پیشی گیرد و از این تاریخ است که غرب با سرعتی قابل توجه در این رشته به همراهی سایر علوم و فنون از ما پیشی گرفت.

بانکداری ایران در دوره میانی

تا قرن هجدهم بانکداری در ایران به همان وضع سنتی خود ادامه داشت تا این که اواخر قرن نوزدهم اولین بانک جدید اروپایی در ایران آغاز به کار کرد. این بانک انگلیسی، شرق جدید "New Oriental Bank" نام داشت و شعبه مرکزی آن در هندوستان بود. بانک شرق جدید بدون آن که امتیازی از دولت ایران کسب کند شعبه‌ای در تهران در سال ۱۸۸۷ گشود. این بانک دو سالی مشغول به کار بود تا این که بانک جدیدالتأسیس شاهنشاهی ایران "The Imperial Bank of Persia" تأسیسات آن را در سال ۱۸۸۹ خریداری کرد و آن بانک از ایران رفت ولی کارش در این دو سال موفقیت آمیز بود، نرخ بهره را که در آن زمان بی حساب و کتاب بود در ۱۲٪ تثبیت کرد و یک چک بانکی یا چک تضمینی به مبلغ ۵ ریال نیز در جریان انداخت که آن را باید اولین نمونه اسکناس یا چک تضمینی در دوران جدید بانکداری ایران دانست.

سابقه تأسیس بانک شاهنشاهی ایران از این جا آغاز شد که در سال ۱۸۷۲ میلادی میرزا حسین خان سپهسالار، صدراعظم ناصرالدین شاه که نسبتاً روشنفکر بود و سال‌ها در استانبول اقامت داشت و با تحولات اروپا آشنا شده بود مطلع شده بود که پطر کبیر امپراطور روسیه برای اولین بار به اروپا سفر کرده است و تغییرات بنیادی اروپا او را تحت تأثیر قرار داده است و در کشور خود به تبع اروپا تغییرات جدید را آغاز نموده است لذا او هم به امید آن که در ناصرالدین شاه نیز چنین تغییری روی خواهد داد، شاه را برای مسافرت به اروپا تشویق نمود. از سال ۱۸۷۳ شاه سه بار عازم فرنگ شد و این اولین سفر یک پادشاه ایران به اروپاست. قبل از این سفر سپهسالار برای تهیه مخارج سفر پادشاه در تکاپو بود و آقالی الیسون سفیر انگلیس از این موضوع با خبر شد و جریان را به شخصی به نام بارون ژولیوس رویتز که یک سرمایه گذار یا واسطه سرمایه گذاری بود خبر داد. بارون ژولیوس رویتز که خبرگزاری رویتز نیز مربوط به اوست با همراهی سفیر انگلیس و دادن پیشکش‌های لازم موفق شد در یکی از این سفرها امتیاز نامه‌ای از شاه ایران بگیرد که از نظر وسعت شمول، آن هم به ثمن بخش، تا آن زمان بی سابقه بود. از آن جمله امتیاز تأسیس بانک، نشر اسکناس، امتیاز کشیدن راه آهن و تراموا، حق انحصاری استخراج کلیه معادن کشور به غیر از طلا و احجار کریمه، حق انحصاری قنوت و ساختن هر نوع وسیله آبیاری، جاده سازی و حتی عایدات گمرک یا به قول لرد کرزول وزیر امور خارجه وقت انگلیس «واگذاری کامل و فوق العاده عجیب تمام منابع حیاتی یک کشور». اما در مراجعت از اروپا هنگامی که شاه در روسیه بود روس‌ها که در عین حال رقیب انگلیس‌ها نیز بودند مضرات این قرارداد شوم را به ناصرالدین شاه گوشزد نمودند و او را ترغیب کردند که قرارداد را ملغی نماید. شاه در بازگشت از اروپا به موجب یکی از مواد همان قرارداد که مقرر می‌داشت «مقدمات کار بایستی در مدت ۱۵ ماه شروع شود والا امتیاز از درجه اعتبار ساقط است» و چنین نشده بود قرارداد را فسخ نمود. ولی با کشمکش‌های زیادی چند سال بعد مجدداً همین «اعلیحضرت جمجاه» برای دلجویی انگلیسی‌ها مجدداً امتیاز نامه دیگری را با کمی تفاوت در تاریخ ۳/ ژانویه ۱۸۸۹ و در زمان صدارت

امین السلطان به همان خانواده رویتر به امضاء رساند. این قرارداد جدید در ظاهر فقط برای تأسیس یک بانک بود ولی امتیازات دیگری که هیچ گونه ربطی به بانک نداشت نیز رندانه در بین مواد قرارداد گنجانده بودند. برای نمونه یکی از مواد قرارداد چنین است:

«برای توسعه تجارت و ازدیاد ثروت ممالک محروسه ایران، بانک شاهنشاهی علاوه بر عملیات بانکی می‌تواند به هزینه خود یا هر کس دیگری که بخواهد به هر عمل صنعتی یا تجارتي که صلاح بدانند اقدام نماید به شرط آن که برخلاف مذهب مرسوم ممالک نباشد» و ماده بعد قرارداد حتی جالب‌تر است:

«بانک شاهنشاهی ایران حاضر است هر گونه فداکاری برای توسعه منابع ثروتی مملکت به وسیله استخراج معادن بنماید و حکومت ایران به موجب این امتیاز حق انحصاری در تمام کشور برای استخراج معادن آهن و مس، سرب، منگنز، ذغال سنگ، جیوه، نفت و پنبه نسوز می‌دهد».

خوشبختانه چون رویتر نتوانست به غیر از تشکیل بانک اقدام دیگری برای سایر امتیازات خود به عمل آورد لذا بقیه امتیازات خود به خود مشمول مرور زمان گردید. او فقط شرکتی به نام «شرکت حقوق استخراجی ایران» یا (Persian Mining Rights Corp) تأسیس کرد و در بعضی نقاط نیز برای اکتشاف نفت حفاری‌هایی شد ولی چون نفتی پیدا نشد منصرف شدند.

این بانک در ژانویه سال ۱۸۹۰ در یک ساختمان دو طبقه در میدان توپخانه، همان ساختمان که متعلق به شعبه بانک شرق جدید بود افتتاح شد. این ساختمان را بعداً خراب کردند و ساختمان بهتری که شبیه کلیساهای کوچک اروپایی بود در همان محل ساختند که هنوز هم قسمتی از آن پابرجاست. دفتر مرکزی بانک در لندن بود. ریاست کل بانک را Lord. W. Kosheick به عهده داشت. برای اداره بانک که در واقع بانک مرکزی ایران بود و اجازه نشر اسکناس را نیز داشت کلیه افراد سطح بالا را از انگلیس فرستادند مدیر بانک شخصی بود انگلیسی الاصل به نام ژوزف روینو که در مصر مدیر یک بانک مصری انگلیسی بود و به استناد این که با فرهنگ مردم شرق آشناست به این سمت برگزیده شد.^{۱۷}

عنوان بانک جدید به انگلیسی از همان ابتدا The Imperial Bank of Persia بود ولی عنوان آن را به زبان فارسی ابتدا به همان روشی که معمول بود «صرافی شاهی ایران» ترجمه نمودند.

طرح دو اسکناس را نیز با همین عنوان صرافخانه شاه ایران به ارزش ۲۰ شاهی^{۱۸} و پنجاه پنهادی^{۱۹} تهیه کردند که نمونه آن ذیلاً ملاحظه می‌فرمایید.

اما بعداً تصمیم مسئولین تغییر کرد و نام بانک به فارسی «بانک شاهی» و سرانجام «بانک شاهنشاهی

۱۷ - این شخص مقاله بسیار قابل استفاده‌ای را در سال ۱۸۹۲ درباره سابقه تاریخی و سهم ایرانیان در بانکداری جهان در شماره ژانویه همان سال در مجله The Institute of Bankers در لندن به چاپ رسانده است.

۱۸ - شاهی در دوره قاجار واحد پول و معادل ۵۰ دینار آن زمان بوده است. در دوره پهلوی یک شاهی معادل ۵ دینار شد و سکه ۵۰ شاهی معادل نیم ریال بود.

۱۹ - پنهاباد که به پنهاباد بیش تر مشهور است مخفف پناه آباد است و نام سکه‌ای است که در پناه آباد (قلعه شوشی) ضرب شده است و معادل ۱۰ شاهی است و دو پنهادی معادل یک قران است.

ایران» انتخاب شد. درباره واحد پول نیز به جای پهنابادی و شاهی، «تومان»^{۲۰} را انتخاب کردند. بر مبنای همین تغییرات اسکناس های اولین سری اسکناس ایران در سال ۱۸۹۰ در انگلستان توسط چاپخانه (Bradbury Wilkinson) به چاپ رسید و به تدریج در جریان گذاشته شد. از مشخصات سری اول اسکناس های بانک شاهی یکی هم این بود که برای اولین و آخرین بار در تاریخ بانکداری ایران اسکناس های ۳ تومان و ۲۵ تومانی نیز چاپ و توزیع گردید. سری کامل اسکناس های سال ۱۸۹۰ به ترتیب شامل ۱-۲-۳-۵-۱۰-۲۰-۲۵-۵۰-۱۰۰-۵۰۰ و ۱۰۰۰ تومانی بود. اسکناس های ۱۰ تومان به بالا امضاء آن چاپی نبود و هنگام تحویل توسط مدیر بانک، با دست امضاء می شد. ارزش اسکناس های ۵۰۰ و ۱۰۰۰ تومانی به حدی بالا و به اصطلاح درشت بود که عملاً در جریان قرار نگرفت. بانک شاهی ظرف سه چهار سال اولیه فعالیت شبکه بانکی خود را توسعه داد و در تمام شهرهای بزرگ ایران و همچنین در بصره و بمبئی شعبه های آبرومندی دایر نمود و مدیران همه شعبه ها انگلیسی بودند.

با گسترش کار این بانک دولت های روسیه تزاری و امپراطوری عثمانی که رقبای همیشگی انگلیس در ایران بودند نیز دولت امین السلطان را تحت فشار قرار دادند و به زودی دو بانک خارجی دیگر به نام های بانک عثمانی و بانک استقراضی روس نیز فعالیت خود را در کشور آغاز کردند. بین این سه بانک از ابتدا رقابتی به وجود آمد و این رقابت طبعاً باعث زد و بندهایی علیه بانک شاهی گردید.

از آنجایی که در قرارداد دولت ایران با رویتر ذکر شده بود که بانک شاهنشاهی مجبور است «قیمت بلیت های^{۲۱} خود را به محض رویت در هر کجا نشر شده اند ادا کند، معهداً بلیت های شعبات می تواند در تهران هم ادا شود» که منظور از این ماده قرارداد این است که بانک موظف است هر کس اسکناس بانک شاهنشاهی را به هر شعبه ارائه داد و تقاضای معادل آن به طلا یا نقره نمود بلافاصله این تبدیل باید انجام پذیرد.

بانک استقراضی روس هنگامی که از این ماده قرارداد مطلع شد به کمک صرافان بزرگ که آنها هم به دلیل آن که بانک شاهی کار و کسب شان را را کد نموده بود، از آن بانک دل خوشی نداشتند، همدست شدند و مقدار زیادی اسکناس به تدریج از شعبات بزرگ تهیه کردند و سپس میزان قابل توجه اسکناس را به یک شعبه کوچک در یکی از شهرستانهای دور افتاده عرضه کردند و تقاضای طلا و نقره نمودند و چون آن شعبه این میزان سکه طلا و نقره نداشت و از تبدیل اسکناس ها برنیامد در بازار مالی سراسر کشور شایع نمودند که بانک شاهی ورشکسته است. مدیران بانک به فکر راه چاره افتادند و برای خنثی کردن این دسیسه تدبیری اندیشیدند و برای هر شعبه ای مهری به فارسی و انگلیسی تهیه کردند به این

۲۰- تومان واژه ترکی است. ترکهایی که ۷-۸ قرن پیش به ایران مهاجرت کردند با خود این واژه را در ایران رواج دادند و در اصل یک واژه ارتشی است و به معنای ده هزار است و امیر تومان به معنی فرمانده ده هزار سرباز است در بانکداری یک تومان معادل ده هزار دینار گردید. از سوی دیگر هر ۱۰ قران یک تومان بوده است.

۲۱- در زمان عقد قرارداد هنوز واژه اسکناس معمول نبوده است. از این جهت در ترجمه فارسی قرارداد رویتر واژه Bank Note به بلیت ترجمه شده است. از این جالبتر این که هفت سال قبل از این (۱۸۸۳) وقتی اسکناس های منات روس به ایران وارد شد ناصرالدین شاه آن را قطعات نجس کاغذ خواند و طی فرمانی اعلام داشت «مردم بسیار احمقند که قطعات نجس کاغذی را به جای طلا و نقره می پذیرند.»

مضمون که «فقط در ... ادا خواهد شد» و (Payable at ... Only) و مهر فارسی را در روی اسکناس و مهر انگلیسی را در پشت آن می‌زدند. مهر تاریخ نیز شامل روز و ماه و سال میلادی بود و بدین ترتیب هر شعبه متعهد شد فقط اسکناس‌هایی را که از همان شعبه دریافت کرده بودند و دارای مهر همان شعبه بود، به طلا و نقره تبدیل کنند.

بانک تا سال ۱۹۳۰ به فعالیت‌های بانکی خود، البته با افت و خیزهایی ادامه داد ولی روی هم رفته در کار خود موفق بود. در این مدت تنها رقیب آن به غیر از بانک‌های استقراضی روس و بانک عثمانی چند صراف بزرگ ایرانی بودند که آنها نیز به نوعی مانند بانک‌های کوچک کارهای بانکی مردم را انجام می‌دادند و شعبه‌هایی در شیراز و اصفهان و تبریز و حتی در بمبئی و بصره و غیره داشتند و به جای صدور چک، «بیجک» صادر می‌کردند که فقط عهده شعبات خودشان بود. مشهورترین این بانک‌های کوچک یا صرافان بزرگ، طومانیانس، جهانیان، تجارتخانه جمشیدیان، کمپانی فارس، شرکت اتحادیه و شرکت عمومی ایران بودند.

